



حقوق شناسی عمومی

دوره میانی - ۱

شناسه حقوق

(دانش حقوق، قاعده حقوقی)

و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین)

مصطفی دانش یزوه

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۱

سرشناسه : دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : شناسه حقوق (دانش حقوق، قاعده حقوقی و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین) / مصطفی دانش پژوه.
 مشخصات نشر : تهران: جنگل: قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۸ ص.
 فروست : حقوق شناسی عمومی. دوره میانی - ۱.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۸۹-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 یادداشت : کتابنامه
 یادداشت : نمایه
 موضوع : حقوق
 موضوع : اسلام و حقوق
 شناسه افزوده : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ش ۹/د ۲۳۰ K
 رده بندی دیویی : ۳۴۰
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۶۱۲۱۷



عنوان کتاب: شناسه حقوق (دانش حقوق، قاعده حقوقی و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین)
 مؤلف: مصطفی دانش پژوه
 ناشر: انتشارات جنگل
 ناشر همکار: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۲۱۰، گروه حقوق ۲۲)
 ناظر فنی: امین لشکری
 حروفچینی و صفحه آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱
 قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۸۹-۴

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

[Email: info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰۰-۹

Wabsite: www.rihu.ac.ir

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر هر چند به عنوان، «منبع مطالعات کلی حقوقی» برای پژوهشگران عرصه علوم انسانی - اجتماعی، به ویژه فاضلان فقه آشنای حوزوی و «درآمدی بر فلسفه حقوق» برای دانش آموختگان رشته حقوق و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد فراهم آمده است، در عین حال می تواند به عنوان «تذکره المدرسين»، اساتید گرانقدر درس «مقدمه علم حقوق» را در یادآوری و تجميع دانسته های پیشین و لازم برای تدریس کمک کند.

لازم به یادآوری است که این اثر به صورت مشترک، بین پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات جنگل که از ناشران فعال در زمینه نشر و توزیع کتاب های حقوقی می باشد، چاپ شده است.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلف محترم حجت الاسلام والمسلمین مصطفی دانش پژوه و همکارشان دکتر قدرت الله خسرو شاهی که با تلاش پیگیر و دراز مدت خود این اثر را آفریدند و ناظران و ناقدان محترم حضرات حجج الاسلام والمسلمین آقایان: دکتر سید مهدی دادمرزی، دکتر سید حسن وحدتی شبیری، دکتر ابراهیم عبدی پور، دکتر عباس کریمی که با نظارت و نقدشان بر اتمام این اثر افزودند سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
	بخش اول: دانش حقوق
۷	فصل اول: کلیات
۷	گفتار نخست: تعریف و تعریف علم حقوق
۹	گفتار دوم: موضوع علم حقوق
۱۰	گفتار سوم: حقوق، علم یا فن و هنر؟
۱۲	گفتار چهارم: روش مطالعه و تحقیق در علم حقوق
۱۳	مبحث اول: روش حقوق‌سازی (قانون‌گذاری)
۱۳	بند یک) مرحله اول
۱۲	بند دو) مرحله دوم
۱۲	مبحث دوم: روش حقوق‌ورزی (دادرسی)
۱۵	مبحث سوم: حقوق‌دانی (آموزش و تعلیم)
۱۶	گفتار پنجم: اهداف آموزش علم حقوق
۱۷	فصل دوم: رابطه علم حقوق با دیگر علوم نزدیک و مرتبط
۱۸	گفتار نخست: حقوق و جامعه‌شناسی
۱۹	گفتار دوم: حقوق و روان‌شناسی
۲۰	گفتار سوم: حقوق و علوم سیاسی
۲۰	گفتار چهارم: حقوق و علم اقتصاد
۲۲	گفتار پنجم: حقوق و تاریخ
۲۳	گفتار ششم: حقوق و فقه
۲۵	گفتار هفتم: حقوق و دیگر علوم

۲۶	فصل سوم: تقسیمات و شاخه‌های علم حقوق
۲۶	گفتار نخست: کلیات تقسیم
۲۶	مبحث اول: زمینه و موضوع تقسیم
۲۷	مبحث دوم: ضرورت و هدف تقسیم
۲۷	مبحث سوم: ویژگی تقسیم
۲۸	مبحث چهارم: مبانی تقسیم
۳۰	گفتار دوم: حقوق عمومی و حقوق خصوصی
۳۱	مبحث اول: تاریخچه و سابقه تقسیم
۳۳	مبحث دوم: مبانی و معیارهای تقسیم
۳۴	بند یک) معیار شخصی و سازمانی
۳۵	بند دو) معیار ماهوی (بر مبنای درجه الزام و اجبار قاعده حقوقی)
۳۶	بند سه) معیار غایی
۳۸	بند چهار) معیار سیاسی و اعمال حاکمیت
۳۹	مبحث سوم: تعریف حقوق عمومی و حقوق خصوصی
۴۲	مبحث چهارم: آثار و فواید تفکیک حقوق عمومی و خصوصی
۴۲	بند یک) تساوی یا عدم تساوی طرفین رابطه حقوقی
۴۳	بند دو) حق یا عدم حق تصمیم‌گیری یک‌جانبه
۴۳	بند سه) امکان و عدم امکان اجرای مستقیم حق
۴۴	بند چهار) تفاوت کیفی میان قوانین حاکم بر اموال عمومی و اموال خصوصی
۴۴	بند پنج) تفاوت در آیین دادرسی و مراجع رسیدگی
۴۴	بند شش) تفاوت در کیفیت رابطه با اشخاص طرف ارتباط
۴۵	بند هفت) تفاوت در قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی
۴۵	بند هشت) تفاوت در نوع احکام قضایی
۴۵	مبحث پنجم: شاخه‌های فرعی حقوق عمومی و حقوق خصوصی
۴۷	بند یک) شاخه‌های فرعی حقوق عمومی
۴۷	۱. حقوق اساسی
۵۲	۲. حقوق اداری
۵۵	۳. حقوق مالیه
۵۶	۴. حقوق کیفری (جزایی یا جنایی)
۵۷	الف) حقوق جزای ماهوی
۶۱	ب) حقوق جزای شکلی (آیین دادرسی کیفری)
۶۲	ج) دیگر موضوعات حقوق جزا

۶۲	۵. آیین دادرسی مدنی
۶۴	۶. حقوق کار
۶۸	۷. حقوق تأمین اجتماعی
۶۸	بند دو) شاخه‌های حقوق خصوصی (داخلی)
۶۸	۱. حقوق مدنی
۷۰	۲. حقوق تجارت
۷۲	۳. حقوق دریایی
۷۴	۴. حقوق هوایی
۷۴	گفتار سوم: حقوق ملی و حقوق بین‌المللی
۷۴	مبحث اول: طرح مطلب و معیار تقسیم
۷۷	مبحث دوم: شاخه‌های حقوق بین‌الملل
۷۸	بند یک) حقوق بین‌الملل عمومی
۸۰	بند دو) حقوق بین‌الملل خصوصی
۸۶	گفتار چهارم: حقوق تطبیقی
۹۲	گفتار پنجم: دانش‌های وابسته و تلفیق حقوق
۹۳	مبحث اول: فلسفه حقوق
۹۴	مبحث دوم: تاریخ حقوق
۹۴	مبحث سوم: جامعه‌شناسی حقوق

بخش دوم: قاعده حقوقی

۹۷	مقدمه: ضرورت حقوق
۹۸	۱. اجتماعی بودن زندگی انسان
۹۹	۲. فقدان قواعدگرایی و طبیعی کافی برای اداره جامعه و رفع مخاطرات
۹۹	۳. وجود اصطکاک و تراکم در زندگی اجتماعی
۹۹	۴. کافی نبودن عقلانیت فردی و وجدان اخلاقی برای حل مشکلات اجتماعی

۱۰۱	فصل اول: تعریف حقوق و قاعده حقوقی
۱۰۱	گفتار نخست: مشکلات تعریف
۱۰۳	گفتار دوم: تعریف حقوق و قاعده حقوقی
۱۰۴	گفتار سوم: جمع‌بندی و نتیجه

۱۰۶	فصل دوم: اوصاف و ویژگی‌های قاعده حقوقی
۱۰۷	گفتار نخست: عمومی، کلی، مجرد و دائمی بودن
۱۰۸	مبحث اول: کلیت و تجرید
۱۱۲	مبحث دوم: دوام
۱۱۳	گفتار دوم: ناظر بودن بر رفتار اجتماعی انسان
۱۱۳	مبحث اول: انسانی بودن
۱۱۴	مبحث دوم: دستوری بودن
۱۱۵	مبحث سوم: رفتاری بودن
۱۱۷	مبحث چهارم: اجتماعی بودن
۱۱۹	گفتار سوم: الزامی بودن و قابلیت اجبار داشتن
۱۲۰	مبحث اول: مفهوم الزام
۱۲۴	مبحث دوم: الزامی بودن وصف یا ویژگی؟
۱۲۶	مبحث سوم: دلیل الزام، جلوه‌های گوناگون آن
۱۲۶	بند یک) دلیل الزام
۱۲۶	بند دو) جلوه‌های الزام
۱۲۸	گفتار چهارم: برخورداری از ضمانت اجرای دولتی
۱۲۹	مبحث اول: مفهوم ضمانت اجرا
۱۳۱	مبحث دوم: مقام تضمین‌کننده
۱۳۲	مبحث سوم: گونه‌های مختلف ضمانت اجرا
۱۳۲	بند یک) ضمانت اجرای مدنی
۱۳۳	بند دو) ضمانت اجرای کیفری
۱۳۴	بند سه) ضمانت اجرای اداری
۱۳۴	بند چهار) ضمانت اجرای سیاسی
۱۳۵	مبحث چهارم: ضمانت اجرا؛ ویژگی قاعده حقوقی
۱۳۷	گفتار پنجم: جمع‌بندی و نتیجه: تعریف مختار و ویژگی‌های آن
۱۳۷	مبحث اول: تعریف مختار
۱۳۹	مبحث دوم: ویژگی‌های تعریف
۱۴۳	فصل سوم: انواع قاعده حقوقی
۱۴۳	گفتار نخست: قاعده آمره و قاعده تکمیلی (تفسیری)
۱۴۳	مبحث اول: مبنای تقسیم: تعریف، قلمرو

۱۴۶	مبحث دوم: فایده قواعد تکمیلی و وجه نام‌گذاری آن
۱۴۷	مبحث سوم: معیار تقسیم و چگونگی تشخیص
۱۵۱	گفتار دوم: قاعده الزامی و قاعده اذنی یا اختیاری
۱۵۱	گفتار سوم: قاعده ماهوی و قاعده شکلی
۱۵۳	فصل چهارم: موضوع قاعده حقوقی: حق
۱۵۳	گفتار نخست: تعریف حق
۱۵۴	مبحث اول: تعریف حق بر اساس توجه به دارنده آن
۱۵۵	مبحث دوم: تعریف حق بر اساس موضوع و متعلق آن
۱۵۶	مبحث سوم: تعریف حق بر اساس دو عنصر اراده و منفعت
۱۵۶	مبحث چهارم: تعریف حق بر اساس تعلق و تسلط
۱۵۸	مبحث پنجم: تعریف حق از دیدگاه فقه
۱۶۰	گفتار دوم: رابطه حق با مفاهیم مشابه
۱۶۰	مبحث اول: رابطه حق و مالک
۱۶۱	مبحث دوم: رابطه حق و تکلیف
۱۶۲	مبحث سوم: رابطه حق و حکم
۱۶۵	گفتار سوم: انواع و اقسام حق
۱۶۶	مبحث اول: تقسیم حق بر اساس دارنده آن
۱۶۶	بند یک) حق فردی (حق خصوصی)
۱۶۶	بند دو) حق اجتماعی (حق عمومی)
۱۶۶	بند سه) تقسیم حق به حق الله و حق الناس
۱۶۷	۱. حق الله
۱۶۹	۲. حق الناس
۱۷۰	۳. آثار این تقسیم‌بندی
۱۷۰	بند چهار) حق مشترک
۱۷۱	مبحث دوم: انواع حق به اعتبار متعلق آن
۱۷۱	بند یک) حقوق سیاسی
۱۷۲	بند دو) حقوق مدنی
۱۷۲	۱. حقوق مربوط به شخصیت
۱۷۳	۲. حقوق خانوادگی
۱۷۳	۳. حقوق مالی

۱۷۶	گفتار چهارم: محدوده حق و جگونگی اجرای آن
۱۷۷	مبحث اول: ایراد ضرر
۱۷۸	مبحث دوم: نامشروع بودن غرض
بخش سوم: رابطه حقوق و قاعده حقوقی با عدالت، اخلاق و دین	
۱۸۴	فصل اول: حقوق و عدالت
۱۸۴	گفتار نخست: طرح مطلب
۱۸۴	مبحث اول: جایگاه بحث از عدالت در فلسفه حقوق
۱۸۵	مبحث دوم: عدالت، مبنای تقسیم‌بندی کلاسیک مکاتب حقوقی
۱۸۶	مبحث سوم: عدالت موضوع بحث
۱۸۷	مبحث چهارم: مراحل بحث از عدالت
۱۸۸	گفتار دوم: مکاتب حقوق طبیعی و عدالت
۱۸۸	مبحث اول: قرائت‌های گوناگون حقوق طبیعی و وجه اشتراک آنها
۱۸۸	مبحث دوم: دیدگاه‌های مساوت درباره نقش عدالت در حقوق
۱۸۹	بند یک) عدالت، رکن وجودی قانون
۱۹۰	بند دو) عدالت، شرط اعتبار قانون
۱۹۱	بند سه) نتیجه
۱۹۲	گفتار سوم: مکاتب حقوق پوزیتیویستی و عدالت
۱۹۲	مبحث اول: قرائت‌های گوناگون حقوق پوزیتیویستی و وجه اشتراک آنها
۱۹۲	مبحث دوم: ویژگی حقوق پوزیتیویستی: تفکیک حقوق از اخلاق و عدالت
۱۹۴	مبحث سوم: عدالت تغییرپذیر و عدالت زمانه
۱۹۴	گفتار چهارم: مکتب حقوقی اسلام و عدالت
۱۹۴	مبحث اول: جایگاه عدالت در اندیشه کلی اسلام
۱۹۴	بند یک) عدالت از اصول دین
۱۹۵	بند دو) عدالت، فلسفه معاد و هدف رسالت
۱۹۵	بند سه) عدالت، مبنا و هدف حقوق اسلام
۱۹۶	مبحث دوم: ویژگی‌های عدالت اسلامی
۱۹۶	بند یک) عدالت، هدف میانه حقوق اسلامی
۱۹۷	بند دو) عدالت واقعی و تبیین شده
۱۹۸	بند سه) عدالت، یکی از معیارهای ارزیابی قوانین
۱۹۹	بند چهارم) جامعیت و تنوع عدالت اسلامی

۲۰۰	مبحث سوم: نتایج نگاه اسلامی به عدالت حقوقی
۲۰۰	بند یک) عدالت‌یابی از راه شریعت‌گرایی
۲۰۱	بند دو) تعیین جایگاه شریعت و عدالت در ارزیابی قوانین
۲۰۱	بند سه) سامان‌بخشی جامعه و قوانین بر محور شریعت
۲۰۲	بند چهار) تعیین جایگاه اصل عدالت در استنباط احکام اسلامی و وضع قوانین
۲۰۵	فصل دوم: حقوق و اخلاق
۲۰۵	گفتار نخست: مفهوم اخلاق
۲۰۷	گفتار دوم: تمایز قاعده حقوقی و قاعده اخلاقی
۲۰۸	مبحث اول: اساس و خاستگاه
۲۰۹	مبحث دوم: موضوع و قلمرو
۲۱۲	مبحث سوم: هدف
۲۱۵	مبحث چهارم: نقش‌الکیزه
۲۱۸	مبحث پنجم: لزوم اجرا و ضمانت آن
۲۲۱	گفتار سوم: رابطه و تأثیر متقابل حقوق و اخلاق
۲۲۶	فصل سوم: حقوق و دین
۲۲۶	مقدمه
۲۲۶	۱. زمینه و پیشینه بحث
۲۲۸	۲. تعریف دین و طرح بحث
۲۲۹	گفتار نخست: رابطه حقوق و دین به مفهوم کلی و مطلق
۲۲۹	مبحث اول: از نظر امکان منطقی
۲۳۱	مبحث دوم: از نظر عینی و تاریخی
۲۳۱	بند یک) تصویر کلی
۲۳۳	بند دو) غرب مسیحی
۲۳۵	بند سه) شرق اسلامی
۲۳۹	مبحث سوم: از نظر لزوم و بایستگی
۲۴۲	گفتار دوم: رابطه حقوق با دین اسلام
۲۴۳	مبحث اول: شناخت اسلام
۲۴۵	مبحث دوم: تبیین لزوم دینی بودن قواعد حقوقی
۲۴۵	بند یک) دیدگاه خداشناسی و توحید

۲۴۷	بند دو) دیدگاه انسان‌شناسی و حقوق
۲۴۹	بند سه) دیدگاه قرآن کریم
۲۵۱	مبحث سوم: گستره قواعد حقوقی و نقش انسان در قانون‌گذاری
۲۵۲	بند یک) قوانین ثابت و پایدار
۲۵۳	بند دو) قوانین متغیر و ناپایدار
۲۵۴	مبحث چهارم: قضاوت نهایی: حقوق دینی، آری یا نه؟
۲۵۶	گفتار سوم: مقایسه قواعد حقوقی و قواعد دینی: وجوه افتراق و اشتراک
۲۵۷	مبحث اول: رابطه قواعد حقوقی سکولار با قواعد مذهبی ادیان فاقد شریعت اجتماعی
۲۵۸	مبحث دوم: رابطه قواعد حقوقی سکولار با قواعد مذهبی ادیان واجد شریعت اجتماعی
۲۵۹	مبحث سوم: رابطه قواعد حقوق دینی با قواعد شریعت (رابطه حقوق اسلامی و...)
۲۶۰	گفتار چهارم: رابطه حقوق و فقه
۲۶۰	مبحث اول: مفهوم شریعت و فقه
۲۶۱	مبحث دوم: رابطه فقه با مطلق حقوق به طور عام
۲۶۲	بند یک) به لحاظ موضوع
۲۶۴	بند دو) به لحاظ ماهیت احکام و قواعد
۲۶۵	بند سه) به لحاظ ضمانت اجرا
۲۶۵	بند چهار) به لحاظ هدف
۲۶۶	بند پنج) به لحاظ منابع
۲۶۹	بند شش) به لحاظ مبانی
۲۷۰	مبحث سوم: رابطه فقه با حقوق اسلام به طور خاص
۲۷۱	گفتار پنجم: وجوه تمایز حقوق اسلامی و حقوق سکولار
۲۷۱	الف) به لحاظ قلمرو
۲۷۲	ب) به لحاظ ماهیت احکام
۲۷۲	ج) به لحاظ ضمانت اجرا
۲۷۳	د) به لحاظ هدف
۲۷۳	ه) به لحاظ منابع
۲۷۴	و) به لحاظ مبانی
۲۷۴	گفتار ششم: حقوق کنونی ایران و دین و مذهب
۲۷۴	مبحث اول: دین اسلام و مذهب جعفری اثناعشری
۲۷۴	بند یک) جایگاه دین و مذهب رسمی
۲۷۷	بند دو) نقش فقه در حقوق کنونی ایران

۲۷۷	۱. فقه، مبنای حقوق و معیار مشروعیت قوانین
۲۷۸	۲. فقه، منبع رسمی و تکمیلی حقوق
۲۷۹	بند سه) جمع‌بندی و نتیجه: مذهبی بودن حقوق ایران؟
۲۸۲	مبحث دوم: دیگر مذاهب اسلامی
۲۸۲	مبحث سوم: دیگر ادیان توحیدی
۲۸۳	مبحث چهارم: ادیان غیر توحیدی
۲۸۵	منابع و مأخذ
۲۹۹	نمایه‌ها

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

پیشگفتار

واژه «حقوق» در ادبیات فارسی، در معانی متعدد و متفاوتی به کار می رود از جمله: «جمع حق»، «مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی» و «علم حقوق». آنچه اصالتاً موضوع این کتاب و دیگر کتاب های این مجموعه است، معنای اخیر، یعنی «علم حقوق» است. هر چند از این رهگذر و در راستای شناسایی بهتر علم حقوق، از معانی دیگر نیز بحث خواهد شد؛ بدین ترتیب، این پژوهش، در گروه پژوهش هایی قرار می گیرد که در اصطلاح «علوم درجه دوم» نامیده می شوند؛ یعنی علمی که درباره دانش های دیگری بحث و تحقیق می کنند. ارائه این شناخت کلی و اجمالی و درجه دوم، دست کم در حوزه حقوق، در سه سطح ابتدایی و مقدماتی، میانی و استنتاجی و بالاخره عالی و نظریه پردازی قابل انجام است.

سطح ابتدایی و مقدماتی، تقریباً ویژه دانشجویان تازه وارد رشته حقوق است. دانشجویانی که چه بسا بدون آگاهی کافی از موضوع و محمول و هدف رشته تحصیلی خود، می خواهند وارد عرصه علم حقوق شوند. بنابراین، لازم است در آغاز، هر چند به صورت اجمالی و کلی با علم حقوق آشنا شوند تا ادامه راه را با روشنی و استواری بسمایند. برای تحقق این منظور، دو واحد درسی مستقل با عنوان «مقدمه علم حقوق» برای دانشجویان این رشته و نیز رشته های فقه و مبانی حقوق، فقه و حقوق، حقوق و علوم قضایی، علوم سیاسی و... پیش بینی شده است و کتاب های متعددی با همین عنوان یا عناوین مشابه و نزدیک مانند: کلیات علم حقوق، مبادی علم حقوق، مقدمه عمومی علم حقوق، کلیات مقدماتی حقوق، مبانی و کلیات علم حقوق، دیباچه ای بر دانش حقوق^۱ و امثال آن از سوی اساتید فن به رشته تحریر در

^۱ برای اطلاع بیشتر از کتاب هایی با این عناوین، به کتباتنامه آخر همین کتاب مراجعه کنید.

آمده است. بدیهی است در نوشتاری در این سطح، باید حتی المقدور بدون ورود در مباحث استدلالی، به ارائه شناختی ساده و راهنما بسنده کرد.

سطح میانی و استنتاجی، ویژه کسانی است که تقریباً با یک دوره کامل حقوق آشنا شده‌اند و شاخه‌های گوناگون حقوق را با مسائل جزئی آن، مطالعه کرده‌اند و اینک فارغ از مسائل ریز، جزئی و موردی، می‌خواهند یکبار دیگر به مباحث عام، فراگیر و مشترک حقوقی نگاه کلی بپفکنند. مطالعه نوشتاری در این سطح، که می‌توان از آن با عنوان «حقوق شناسی عمومی» یاد کرد و طبعاً از مباحث استدلالی و تجزیه و تحلیل و استنتاج بی‌بهره خواهد بود، افزون بر آنکه برای دانش‌آموختگان حقوق سودمند است، برای دیگر ارباب فضل در علوم انسانی-اجتماعی، به‌ویژه فاضلان فقه‌آشنای حوزوی که می‌خواهند با علم حقوق آشنا شوند نیز مفید است.

سطح عالی و نظریه‌پردازی که معمولاً با نام «فلسفه حقوق» از آن یاد می‌شود، به عمیق‌ترین لایه‌های مباحث کلی حقوق می‌پردازد و نظریات گوناگون را درباره چیستی و چگونگی و هدف حقوق و امی کلود در نهایت، یکی از آن نظریه‌ها را برمی‌گزیند یا خود نظریه‌ای جدید ابداع می‌کند.

کتاب حاضر، با عنوان «شناسه حقوق» مطالعه و پژوهشی در سطح میانی است که از میان مجموعه مباحث فراوان مربوط به حقوق شناسی عمومی، تنها به شناساندن حقوق می‌پردازد و از دانش حقوق، قاعده حقوقی و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین بحث می‌کند و البته در این مطالعه، توجه خاصی هم به حقوق اسلام و ایران دارد.

ناگفته نماند در مستندسازی مطالب، ارجاع به یک متن اروپا به معنای تأیید و پذیرش مطالب آن متن از سوی نویسندگان آن منابع یا این اثر نیست. بلکه بیشتر جهت راهنمایی خواننده محترم به منبع یا منابعی برای مطالعه بیشتر است.

امید آنکه این اثر ناچیز بتواند دانش‌آموختگان حقوق را در بارخوانی بخشی از آموخته‌ها و استنتاج نظری و کلی از آنها، یار و مددکار، و ارباب فضل و دانش در دیگر عرصه‌های علوم انسانی را در آشنا شدن با عرصه علم حقوق، چراغی راهنما باشد.



خدای را بر این توفیق شاکرم و در راستای تشکر از او، سپاس صمیمانه خویش را تقدیم می‌دارم به همه کسانی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در پدیدآمدن این اثر سهمی داشته‌اند:

- پدر و مادرم، که سنگ‌بنای تربیت علمی و دینی مرا نهادند؛ رضوان الهی نصیبشان باد!
- همه معلمان و اساتیدی که مرا خواندن و نوشتن آموختند و با فقه و حقوق آشنا ساختند؛ سلامت، قرینشان باد و توفیقشان افزون، و اگر از قید حیات رسته‌اند، بهشت الهی مأوایشان!
- همکار گرامی و رفیق شفیقم، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر قدرت‌الله خسروشاهی - ادام الله ایام افاداته - که از آغاز، در تهیه و تدوین طرح مشارکت و زحمت پژوهش و نگارش مبحث «موضوع قواعد حقوقی: حق» را پذیرفتند و رنج مطالعه و نقد و تصحیح بقیه مباحث را تحمل کردند. بدون تردید بی‌مدد و پشت‌گرمی ایشان، این سلسله نوشتار پدیدار نمی‌گشت.
- همه صاحبان آثاری که از نوشته‌هایشان بهره‌جستم و اساتید و دوستانی که از نقد و رهنمودشان فایده بردم، به‌ویژه استاد ارجمند، جناب آقای دکتر عباس کریمی که در آغاز راه و تهیه طرح تحقیق از هدایت‌هایشان و در ادامه کار، از دیدگاه‌های سازنده‌شان بهره‌مند شدم، و فاضل دانشمند جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیدمهدی دادمرزی که در پایان کار از اظهار نظرهای دقیق و عالمانه‌شان سود جستیم. نیز ناقدان بصیر، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیدحسن وحدتی شبیری، و فاضل ارجمند، جناب آقای دکتر ابراهیم عبدی‌پور که نقدهایشان بر اتقان اثر افزود.
- ویراستار محترم، فاضل گرامی، جناب آقای محمود سیری که در روان‌سازی متن تلاشی وافر و ارجمند مبذول داشتند.
- همه دست‌اندرکاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه همکاران گروه حقوق، مسئول محترم و کارکنان کتابخانه، اداره نشر و ویرایش، معاونت‌های پژوهشی و ثبت و ریاست محترم پژوهشگاه.
- مدیریت‌های محترم و کارکنان گرامی کتابخانه تخصصی فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی سیستانی و کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که در استفاده‌ام از آن کتابخانه‌های مبارک، کمال مساعدت را مبذول داشتند.
- همسر مهربان و فرزندان عزیزم که با شکیبایی فزون از حدشان، انرژی پژوهش و نگارش را استمرار می‌بخشیدند.

و سرانجام، خاضعانه عرض پوزش و اعتذار دارم به ساحت گرامی همه صاحب نظران بزرگوار و عزیزی که سخن والایشان را درست نشنیدم، درست نخواندم و درست نفهمیدم و در نتیجه، به سادگی از کلامشان عبور کردم یا جسورانه به تیغ نقدشان کشیدم و در نهایت، از همه آنان و همه خوانندگان محترم درخواست دارم نه با دیده اغماض، که با نگاه اصلاحی و انتقادی به این اثر بنگرند و اگر آن را قابل دیدند، با هدیه‌ای از انتقادهای و اصلاحات، نویسنده را قرین امتنان مضاعف فرمایند.

ای غایت عقل و عشق، در گفت و شنفت
در ختم سخن حمد تو می‌باید گفت

و آخر دعوانا

ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

مصطفی دانش پژوه — پاییز ۱۳۹۰